



زندگی راستین

ناپلئون هیل

زندگی راستین

ترجمهٔ پوپک گل‌بالا



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: گیتومر، جفری ایچ. Gitomer, Jeffrey H.
عنوان و نام پدیدآور: زندگی راستین/ناپلئون هیل؛ مقدمه، تفسیر و دستورالعملها جفری گیتومر/
ترجمهٔ پوپک گل‌بالا

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۴۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۵۹-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Truthful living: the first writings of Napoleon Hill, 2018

موضوع: هیل، ناپلئون، ۱۸۸۳ - ۱۹۷۰ م. -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها/موقفیت -- جنبه‌های

روان‌شناسی/موقفیت در کسب و کار

رده‌بندی کنگره: HF ۵۳۸۶

رده‌بندی دیویی: ۶۵۰/۱

شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۵۹۷۵۴۱۴



■ زندگی راستین

ترجمهٔ پوپک گل‌بالا	ناپلئون هیل
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه	آماده‌سازی و تولید:
چاپ و صحافی: دالاهو	طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۰، ۷۷۰ نسخه	

همهٔ حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازهٔ کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

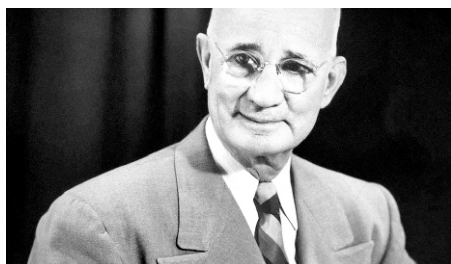
طبقهٔ سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

   @ketabeparseh

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف‌آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴



ناپلئون هیل (۱۸۸۳-۱۹۷۰)

نویسنده آمریکایی

او از پیشگامان سبک مدرن ادبیات موفقیت بود. معروفترین اثر او، *بیندیشید و ثروتمند شوید*، از زمان انتشار تاکنون یکی از پرفروشترین کتابهای جهان بوده است. هیل به یکی از مشاوران رئیس جمهور فرانکلین روزولت نیز تبدیل شد.

تقدیم به خویشترین خویش،
به فراخنای عشق و حیاتی که در من جاری است.

فهرست

- اولین اندیشه‌های پدر موفقیت و ثروت آمریکا ۱۳
- درس ۱: موفقیت بستگی به شما دارد..... ۱۹
- درس ۲: آنچه را که شروع کرده‌اید، تمام کنید..... ۳۷
- درس ۳: چگونه بیندیشیم ۵۱
- درس ۴: تخیل..... ۶۳
- درس ۵: ارزش اعتماد به نفس و صداقت ۸۱
- درس ۶: اجازه دهید بلندپروازی راهنمای شما باشد ۹۳
- درس ۷: شکست، موهبتی در لباس مبدل ۹۹
- درس ۸: زمان، با ارزش‌ترین چیز در جهان ۱۰۷
- درس ۹: هفت اصل موفقیت ۱۱۷
- درس ۱۰: هدف مهمی در زندگی داشته باشید ۱۲۷
- درس ۱۱: «قانون جذب هماهنگ» ۱۳۵
- درس ۱۲: چگونه خود و خدمات‌تان را به بهترین شکل ارائه دهید..... ۱۴۵
- درس ۱۳: کشف؛ موضوعات، زندگی و سعادت..... ۱۵۱
- درس ۱۴: «شانس در برابر شهامت»..... ۱۵۹

۱۰ ■ زندگی راستین

- درس ۱۵: تخیل، خواستن، اشتیاق، اعتماد به نفس و تمرکز..... ۱۶۵
- درس ۱۶: در پس موفقیت شما چه کسی قرار دارد؟..... ۱۸۱
- درس ۱۷: اگر فقط یک آرزو داشتم!..... ۱۸۹
- درس ۱۸: کلید بزرگ جادو..... ۱۹۳
- درس ۱۹: اهمیت ظاهر فردی در ایجاد اولین تأثیر مطلوب..... ۲۰۱
- درس ۲۰: با دیدن پول..... ۲۰۹
- درس ۲۱: «قانون پنج گانه»..... ۲۱۵
- درس ۲۲: اصل خدمت رسان..... ۲۲۳
- درس ۲۳: حقیقتی بزرگ حاصل بیست سال تجربه..... ۲۳۱
- مؤخره: حقیقت، تنها حقیقت، به من کمک کرد..... ۲۴۱

«وقتی مرد یا زنی شکست می خورد، آسان ترین و منطقی ترین کاری که انجام می دهد تسلیم شدن است. این چیزی ست که اکثریت مردم انجام می دهند.»
ناپلئون هیل

«اکثر انسان ها حاضر نیستند کار سختی را که موجب موفقیت آن ها می شود انجام دهند.»

جفری گیتومر

اولین اندیشه‌های پدر موفقیت و ثروت آمریکا نوشته جفری گیتومر

ناپلئون هیل در سال ۱۹۱۷، بیست سال قبل از چاپ شاهکارش، بیندیشید و ثروتمند شوید، شغل معلمی، استادی و نویسندگی خود را در مؤسسه جرج واشنگتن شیکاگو آغاز کرد. وی در آنجا دوره‌هایی را در زمینه تبلیغات و فروش تدریس می‌کرد اما به جای تمرکز بر شیوه کار این موضوعات، دوره‌های خود را حول این نظریه پایه‌ریزی کرد که نگرش، باور، کار سخت و رشد فردی کلیده‌های موفقیت هستند.

وی در جایگاه معلم و نویسنده دریافت که دانش آموزانش برای دستیابی به موفقیت باید کارهایشان را بر مبنای ایمان و باور خود شروع کنند، نگرشی مثبت داشته باشند و قبل از رسیدن به هدف برای خود طرح و برنامه بچینند. هیل با آگاهی از میراث بالقوه این آموزه‌ها و با افتخار به پدیدآوردن آن‌ها، هریک از این درس‌ها را نوشت، تایپ کرد و به امضای دستی خود رساند. بیش از دو دهه بعد، مصاحبه او با موفق‌ترین افراد زمان خود مثل: ادیسون^۱، فایرستون^۲، باروز^۳ و شواب^۴ و نوشتن درباره آن‌ها موجب پرورش

1. Edison

2. Firestone

3. Burroughs

4. Schwab

مهارت و تثبیت اندیشه اصلی در وی شد.

پس از یک دوره ۴۵ ساله، هیل در سال ۱۹۱۷ اصول مثبتی را که درباره آن‌ها نوشته و صحبت کرده بود، توسعه بخشید، ده‌ها کتاب نوشت که بیش از صد میلیون نسخه از آن‌ها به فروش رسیده است؛ وی هزاران سخنرانی و گفتگو ارائه داد و پیشروی مشهوری در زمینه نگرش مثبت، رشد فردی و خودیاری در جهان شد. او امروز پس از گذشت صد سال، آن موقعیت و شهرت جهانی را حفظ کرده است.

اما در مورد آن درس‌های اصلی زندگی که ناپلئون هیل در سال ۱۹۱۷ تدریس می‌کرد، چطور؟

کتاب: زندگی راستین

چند سال پیش، مؤسسه ناپلئون هیل پرده از آموزش‌ها و نوشته‌های اصلی ناپلئون هیل برداشت. این‌ها نه تنها اولین نوشته‌های هیل، بلکه نماد تفکرات پایه و اساسی هستند که میراث او محسوب می‌شوند.

ناپلئون هیل در مقام استاد دانشگاه با ارائه سخنرانی‌ها و درس‌ها در کلیوندا^۱ شروع به کار کرد و این حضور ذهن را داشت که آن‌ها را مکتوب نماید. این درس‌ها و سخنرانی‌ها بیست سال پیش از آنکه کتاب ماندگار بیندیشید و ثروتمند شوید^۲ به چاپ برسد، نوشته شدند.

این‌ها اندیشه‌ها و باورهای اصیل هیل درباره این موضوع هستند که چگونه بر هدف اصلی خود در زندگی تمرکز کنید، چگونه نگرشی ژرف داشته باشید و موفق شوید. این‌ها اولین سخنرانی‌ها، درس‌ها و نوشته‌های او هستند. در همین زمان هیل مشغول تدریس درس تبلیغات و فروش بود، او بر اصول نگرش، خودباوری، نوشتن، ترغیب و فلسفه زندگی و حیات تمرکز داشت.

1. Cleveland

2. Think and Grow Rich

این صفحات زندگی راستین شامل نوشته‌ها و سخنرانی‌های اصلی هیل در سال ۱۹۱۷ است. کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید در سال ۱۹۳۷ چاپ شد و کتاب ماندگار هیل، چگونه در زندگی خود انسانی تأثیرگذار باشیم^۱، در سال ۱۹۳۹ به چاپ رسید. درس‌ها و سخنرانی‌های اصلی او که در کتاب زندگی راستین آمده پایه و اساس فلسفه، راهبردها و اندیشه‌های کلی این کتاب محسوب می‌شوند. کلاسیک واقعی، حاصل نبوغ واقعی. مؤسسه ناپلئون هیل افتخار ویرایش و تفسیر این نوشته‌ها را در قرن بیست و یکم به من داده است. با نهایت وجدان کاری که در خود سراغ دارم، تلاش کرده‌ام تا نسبت به مفاهیم و معانی‌ای که هیل سعی در انتقال آن‌ها داشته، صادق بمانم. دلیل آن این است که...

اولین باری که در سال ۱۹۷۱ با کتاب ناپلئون هیل آشنا شدم، عضو تیم نوپای فروش بودم و کمتر تحت تأثیر جنبه آموزشی «نگرش مثبت» بودم. در دوره آموزشی به همراه فروشنده‌های همکار و عملاً به پیشنهاد آن‌ها به سمت مطالعه روزانه کتاب‌های هیل کشیده شدم. ما جلسه فروش صبحگاهی داشتیم که در آن جلسه هر یک از ما برای «بازگویی» فصلی از این کتاب تعیین می‌شد. مدتی که گذشت تازه شروع به «فهم» کتاب کردم و طی بار دوم خواندن کتاب که درست یک ماه بعد بود و موعد بحث روزانه گروهی با همکاران فروش رسیده بود، برایم مسجل شد که کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید همان کتابی است که مقدر بود زندگی من را تغییر دهد.

در واقع، من در آن سال ده بار کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید را خواندم - و تمام اصول و دستورات آن را مطالعه و اجرا کردم. نتیجه آن برای من نگرشی مثبت و شکست‌ناپذیر و حرکتی مصمم به سمت موفقیت طی ۴۵ سال اخیر بوده است. رابطه من با مؤسسه ناپلئون هیل قدمتی ده‌ساله دارد. من

خالق خبرنگار هفتگی هیل، ناپلئون هیل دیروز و امروز^۱ هستم که در ده سال اخیر بالغ بر پنجاه هزار خواننده داشته است.

در نتیجه ارتباط درازمدت و مؤثر من با مؤسسه ناپلئون هیل، اختیار تام به من داده و از من خواسته شد تا در خلق این اثر نوشته‌های اصلی^۲ (سال ۱۹۱۷) هیل را تدوین و تفسیر کنم.

از آنجایی که هیل سخنور بود گفته‌های او به شیوه صد سال پیش گفته و نوشته شده است. اکنون نه تنها از آن موقع زمان بسیاری گذشته بلکه زبان و واژگان نیز تغییر یافته است.

با داشتن تأییدیه‌ای نادر از مؤسسه ناپلئون هیل، مفتخریم کتاب زندگی راستین^۳ را که به قدمت یک قرن و اثر کلاسیک امروزی است در اختیار شما قرار دهیم.

این کتاب شامل اولین نوشته‌های (تبیین و تفسیر شده) ناپلئون هیل است که تأثیری ژرف بر شما و خوانندگان در هر جای دنیا که باشید، خواهد داشت و نیز الهام‌بخش شما خواهد بود.

در این کتاب بیست و سه درس و سخنرانی درباره حقیقت، تمرکز، راستی، خواستن، تصمیمات، نگرش، باورها، اهداف و زندگی بازگو شده است. گرچه این کتاب صد سال پیش نوشته شده، ولی همچون گوهری است به دور از گذر زمان که اندکی متناسب با راهبردها و واژگان قرن ۲۱ ویرایش و تفسیر شده است در حالی که انرژی و ارزش این اثر به همان صورتی که در سال ۱۹۱۷ نوشته شده به قوت خود باقی است. محتوای این کتاب بر اساس افکار اصلی ناپلئون هیل بوده و اولین بار است که این اثر ارائه می‌شود.

در پایان هر درس راهبردهایی را ارائه خواهیم داد که عملی کردن آن‌ها

1. Napoleon Hill Yesterday and Today

2. ORIGINAL writings

3. TRUTHFUL LIVING

ناپلئون هیل ■ ۱۷

در دنیای واقعی ساده و آسان باشد و تأثیر بسزایی بر زندگی، خانواده، شغل و کسب در آمد شما بگذارد.

ارادتمند شما،

جعفری گیتومر

سلطان فروش

«فکر کنید، عمل کنید، و روز به روز شاهد موفقیت باشید.»

جعفری گیتومر

«این کتاب به خودی خود زندگی شما را متحول نمی‌سازد، بلکه اقدامات شماست که با تلفیقی از حکمت و چالش‌های این کتاب از شما انسانی موفق‌تر و ثروتمندتر می‌سازد.»

جعفری گیتومر

«ابتدا اندیشه می‌آید؛ سپس سازماندهی آن اندیشه به ایده‌ها و طرح‌ها؛ و بعد تبدیل آن طرح‌ها به واقعیت صورت می‌گیرد. آغاز هر کاری، همان‌طور که خواهید دید در تخیل شماست.»

ناپلئون هیل

درس ۱

موفقیت بستگی به شما دارد.

سخن گیتومر: کلمات زندگی را تغییر می دهند. زندگی راستین در صورتی فرصتی دوباره است که این کتاب را بخوانید و به دقت مطالعه کنید. اطلاعات، اولین فرصتی هستند که به شما داده می شوند. با کمک آن‌ها درباره زندگی آگاهی خواهید یافت و با کمک هوش و ذکاوت خود به موفقیت خواهید رسید. در هر درسی از این کتاب صدها لحظه آها! نهفته است.

فرصت دوم چالش انجام کارها به کمک اطلاعاتی است که به شما داده شده است. این قسمت سخت ماجراست. هزاران نفر این کتاب را خواهند خواند، اما کمتر از ۵٪ آن‌ها پذیرای این اصول خواهند بود. اقدامات لازم را انجام دهید و پاداش آن را در ۲۰۰ صفحه بعدی بگیرید. اگر قرار باشد جزو آن ۵٪ باشید می‌توانید فرمول آن را در صفحات بعدی ای که می‌خوانید پیدا کنید. این فرمول به نظر ساده می‌آید، اما با همه این‌ها همان‌طور که هیل می‌گوید هرچیز ساده‌ای آسان نیست. هرچند کلمات به کار رفته در حرف‌های هیل واژگان یکصد سال پیش

هستند، اما هیچ‌گونه ابهامی در آن‌ها وجود ندارد. جملات و عبارات‌های واضحی مثل «موفقیت بستگی به خود شما دارد.» و «طلب موفقیت نیاز به هیچ توضیح و تفسیری ندارد، اما سخت‌کوشی و احساس تعهد می‌طلبد.» شروع کنید. سخت مطالعه کنید. خودتان دست به کار شوید و آنچه را سزاوارش هستید، به دست آورید. درهای زندگی راستین به روی شما گشوده شده است... وارد شوید!

یادداشت گیتومر: در آستانهٔ قرن ۲۰ زنان بسیاری از دنیای تجارت و کار و رشد فردی حذف شدند. اگرچه من خودم معتقد به حقوق برابر زنان و مردان هستم (من با داشتن چهار دختر و چهار نوهٔ دختر مورد لطف و عنایت قرار گرفته‌ام) اما در تلاش هستم تا آنجا که می‌توانم به نوشته‌های هیل و فادار بمانم. لطفاً اجازه ندهید حذف یک ضمیر شما را از خواندن و یادگیری این اطلاعات ارزشمند و تغییردهندهٔ مسیر زندگی منصرف کند.

از آنجا که تصمیم به خواندن این کتاب گرفته‌اید به خاطر داشته باشید که موفقیت شما تا حد زیادی بستگی به موارد زیر دارد:

یک: شیوهٔ مطالعه شما. بدانید خواندن مطالبی که با قلمی متفاوت و در بین خطوط آمده به همان اندازه حائز اهمیت است که خواندن خطوط اصلی کتاب - یعنی باید اصلی را که در پس هر کلمه از متن کتاب آمده درک کنید. دو: کتاب را به همان‌گونه بخوانید که گویی قرار است در قبال خواندن و فهم تمام مطالب آن مبلغی به شما پرداخت شود.

سه: باید مشتاق، مصر و مصمم به برد باشید! باید به یک سال، دو سال و یا حتی پنج سال جلوتر از آنچه اکنون هستید فکر کنید و خود را در جایگاه فردی موفق ببینید و همزمان این مطلب را در ذهن داشته باشید که پول دریافتی شما تا حد زیادی بستگی به این دارد که چقدر خوب بتوانید مطالب کتاب را درک کنید.

۲۱ ■ ناپلئون هیل

چهار: مطالعه خود را منظم انجام دهید. زمان مشخصی را برای مطالعه روزانه خود در نظر بگیرید و اجازه ندهید هیچ چیز در خصوص انجام درس‌های کتاب طی آن ساعت مزاحم کارتان شود. به خاطر داشته باشید هر کاری انجام می‌دهیم کم‌وبیش نوعی عادت است و می‌توانیم عادت به «مطالعه» را به همان آسانی در خود پرورش دهیم که عادت به «وقت تلف کردن» را در خود پرورش داده‌ایم. عادت به مطالعه را در خود ایجاد کنید و ببینید که به همان اندازه عادت به غذا خوردن برایتان عادی می‌شود.

«توانایی دستیابی به موفقیت مقوله‌ای خود-الهام‌بخش است که شامل درک کامل ماهیت انسان و آگاهی از قدرت پنهان ذهنی خود است.»
ناپلئون هیل

پنج: خود را باور داشته باشید! دلیل بسیاری از شکست‌ها این است که توانایی خود را در انجام هرکاری که متعهد می‌شوید دست‌کم می‌گیرید. اعتماد به نفس تاروپود موفقیت است.

یادداشت گیتومر: لطفاً به عقب برگردید و این فرمول را دوباره بخوانید، چرا که فرمول اعتماد به نفس همان نسخه موفقیت شما در این کتاب و در زندگی است. این فرمول مثل بقیه کتاب الهام‌بخش و چالش‌برانگیز است. آن را یاد بگیرید و انجام دهید.

به عنوان مثال، نوشتن یکی از کلیدهای زندگی موفق است. قبل از اینکه بتوانید به طرزی مؤثر بنویسید باید باور داشته باشید که می‌توانید آن را انجام دهید. خود-الهام‌بخشی بسیار مشابه و نزدیک به اعتماد به نفس است. درست است که الهام را از خارج دریافت می‌کنید، اما الهام باید به درون

الکترودهای ذهن شگفت‌انگیزتان وارد شود و قالب فردیت شما را به خود بگیرد. باید تمام قلب و روح و جسم شما را مثل یک باتری الکتریکی که با جریان برق شارژ می‌شود، پر کند. اشتیاق مقوله‌ای صرفاً خود-الهام‌بخش است، نه چیزی کمتر و نه بیشتر.

اگر درست همین جا دست از نوشتن می‌کشیدم، تنها کمی بیشتر از قبل درباره این موضوع می‌دانستید که چگونه به اعتماد به نفس، عزت نفس و خود-الهام‌بخشی دست پیدا کنید. این درست مثل این است که به کسی بگویید اگر می‌خواهد موفق شود باید صادق باشد (چیزی که پرواضح است) اما به او نگوید چگونه صادق باشد.

در سراسر این کتاب، به همان اندازه که با علت سروکار داریم با معلول نیز سروکار داریم. برای بررسی اولین علت در کسب این کیفیت‌های مطلوبی که در اینجا ذکر شد اجازه دهید دستورالعمل‌های مشخصی را به شما ارائه دهم - اقتباسی از فلسفه فردی خودم که سال‌هاست از آن‌ها پیروی می‌کنم:

«هر ایده، طرح یا هدفی با تکرار یک اندیشه به ذهن می‌آید.»

ناپلئون هیل

درست قبل از اینکه شب به رختخواب بروید، جملات زیر را تکرار کنید و به محضی که صبح از خواب برخاستید باز این جملات را به دفعات بخوانید و تا ده روز آینده آن‌ها را تکرار کنید:

موفقیت خود را تأکید کنید!

۱. من انسانی موفق هستم!

۲. من اعتمادی کامل به خود دارم!

۳. من توانایی انجام مسئولیتی را دارم که به عهده گرفته‌ام و موفق می‌شوم.

۴. من هشیارم! گوش به زنگ و آماده هستم! تمام توانایی‌ها و استعدادهایم تحت فرمان فوری من هستند. من اکنون صدها هدف را می‌بینم که مشتاقانه دربارهٔ آن‌ها می‌نویسم، در حالی که قبلاً هرگز هدفی نداشتم.
۵. من موفق هستم! من سرشار از انرژی و قدرت هستم! من شجاع و جسور هستم! من فرصت‌های فراوانی را پیش‌روی خود می‌بینم!
۶. من در شغلی که انتخاب کرده‌ام ماهر هستم! من از مغناطیس شخصی و توانایی‌هایم برای رسیدن به هر یک از اهدافم که ممکن است برای من و هم‌نوعانم مفید باشد استفاده می‌کنم!
- شما می‌خواهید موفق شوید وگرنه وقت‌تان را صرف خواندن این کتاب نمی‌کردید. نیازی نیست ذهن‌خوانی کنم تا به این نتایج برسیم. پس هیچ تکلیفی از تکالیفی را که استاد شما می‌گوید انجام دهید دست‌کم نگیرید.

موفقیت را طلب کنید!

با تمام وجود و در نهایت اعتماد، موفقیت را طلب کنید! اگر قویاً به پیشنهادات و باورهای این کتاب عمل کنید، خواستهٔ شما به سرعت و به بهترین نحو تحقق می‌یابد.

از همه مهم‌تر، به خاطر داشته باشید که تمام دستورات این کتاب، چه افکار مربوط به تحقق رؤیاها و چه طلب ذهنی آن‌ها برای رسیدن به موفقیت باید ارجحیت داشته باشند، نه اینکه تنها تلاشی بیرونی و پیگیری عملی برای اجرای دستورات داشته باشید. به عبارت ساده‌تر، به کاری که انجام می‌دهید و نیز به آن‌هایی که در انجام آن به شما یاری می‌رسانند، ایمان داشته باشید و بدانید که بُرد با شما خواهد بود. باید تصویری از فردی را که می‌خواهید باشید برای خود ترسیم کنید و اگر بتوانید آن تصویر را بر صفحات حساس ذهن به حد کافی شفاف و واضح ترسیم کنید، یقین بدانید که درست تبدیل به همان

تصویری خواهید شد که از خود ساخته‌اید. ناامید نشوید، اگر تبدیل به فرد مهم و بزرگی شوید به این خاطر است که ابتدا اراده کردید که فردی مهم و بزرگ شوید! اگر هم فرد مهمی نشوید، به این خاطر است که قدرت اراده شما ضعیف و با بی‌علاقگی همراه بوده است.

جملات تأکیدی خود را آینده‌نگرانه بسازید، نه اینکه صرفاً جملاتی بی‌روح و از روی عادت را به زبان آورید! به انرژی‌های خود ابتکار عمل دهید! این ترتیب و توالی را محکم بچسبید و رعایت کنید: اول، طلب کنید و همراه با طلب کردن خود تفکر خلاقانه داشته باشید؛ با اندیشه خلاق، کار مؤثر و با کار مؤثر برنده شوید!

این پیشنهادات را دوباره و دوباره بخوانید! در مورد آن‌ها فکر کنید. دنبال معایب و نقطه ضعف‌ها نباشید - در جستجوی افکار باشید - افکاری که بتوانید با آن‌ها اعتماد به نفس، اشتیاق و خود - الهام بخشی را در خود بی‌پروانید. به زودی حقیقت و عملی بودن آن‌ها بر شما آشکار می‌شود و به این باور می‌رسید که می‌توانید کوه شک، ترس و عدم شهامت را جابه‌جا کنید.

تلاش نکنید این اصول را برای آن‌هایی شرح و بسط دهید که مانند شما فرصت خواندن و انجام کارهای این کتاب را ندارند. شما در مسیر آماده‌سازی خود، در مسیر انسانی مهم شدن و تحلیل‌گری عالی در زمینه ماهیت انسان هستید. شما نیاز به دانشی دارید تا بتوانید در مقیاس تجاری از آن برای بهتر شدن خود و هم‌نوعانتان استفاده کنید.

«به آنچه انجام می‌دهید و نیز آن‌هایی که در این مسیر شما را یاری می‌کنند ایمان داشته باشید و بدانید که بُرد با شماست.»

ناپلئون هیل

پس به یاد داشته باشید تمام نیروهایی که برای موفقیت شما ساخته شده‌اند در درون شما نهفته هستند! و همچنین به خاطر داشته باشید که دقیقاً به همان نسبت از این کتاب برداشت خواهید کرد که وقت و تلاش صرف آن می‌کنید. شما می‌توانید و باید این کار را برای خود انجام دهید.

آموزش چیزی است که باید خودتان آن را کسب کنید. باید با کار و تلاش به آن برسید و نیز بکوشید وقتی آن را کسب کردید، حفظش کنید! آموزش روندی خودآموز است، و بستر می‌گوید آموزش «دستور کار» است. من به شخصه با وبستر موافق نیستم، چرا که تنها دستور کار کافی نیست. من می‌توانم تازمانی که پیر شوم و موهایم سفید شود به شما آموزش دهم، اما اگر شما واقعاً یک سری کارها را انجام ندهید هرگز یاد نخواهید گرفت که قوی، محکم و مصمم باشید.

در میان کارکنان ما، شما بهترین معلم هستید! در کنار این معلم هر انسان دیگری در بین کارکنان ما به فراموشی سپرده می‌شود و درست به همان نسبت از این کتاب برداشت خواهید داشت که تصمیم دارید برداشت کنید - نه کمتر و نه بیشتر! بهترین معلمان جهان هم نمی‌توانند این میزان را تغییر دهند.

شجاع باشید! به خودتان ایمان داشته باشید! باور داشته باشید که هر آنچه را که بخواهید انجام دهید می‌توانید انجام دهید! این خودباوری را در خود بپرورانید و نگذارید آن را از دست دهید! آن‌هایی را که در این کتاب شما را یاری می‌دهند، باور داشته باشید. اگر این ویژگی منفی شک به ذهنتان رخنه کرد، خود را از آن خلاص کنید. در خصوص توانایی خود در مسلط شدن به این کتاب و یا توانایی تان در خصوص انجام دستورالعمل‌هایی که به شما در کسب مهارت کمک می‌کنند، هیچ شک و تردیدی به خود راه ندهید! با روحیه‌ای بانشاط به سراغ درس‌های این کتاب بروید!

آن وقت ببینید از هر درس چقدر بیشتر می‌توانید فرا بگیرید و در شغل خود از آن‌ها استفاده کنید.

هر اندیشه‌ای را در مورد هر مطلبی که از این کتاب به ذهنتان می‌رسد یادداشت کنید. این افکار را جمع‌آوری کنید و داستان‌هایی با آن‌ها بسازید، «داستان‌های جالب انسانی» که جلب توجه کنند. این داستان‌ها ارزشی عملی دارند.

فکر نکنید انتظار دارم در کارتان کامل و بی‌نقص باشید. هیچ‌کدام از ما کامل نیستیم. هنوز عصر لغزش ناپذیری فرا نرسیده است. همه ما مرتکب اشتباه می‌شویم. به همین خاطر است که پاک‌کن را در انتهای مداد قرار داده‌اند. اما یقین بدانید که در پایان این کتاب بسیار بیشتر از اکنون به کمال نزدیک خواهید شد. همچنین اینجا باید این واقعیت را خاطر نشان کنم که بیست درس اول شما تا حد زیادی در ارتباط با اصول است. درست به همان صورت که ابتدا اصول گرامر و حساب را می‌آموزید و سپس سراغ به‌کارگیری آن اصول می‌روید، اینجا هم ابتدا به اصول روان‌شناسی مسلط می‌شوید و سپس همچنان که در خواندن کتاب پیش می‌روید این اصول را نیز به‌کار می‌گیرید. از واژه روان‌شناسی نترسید! من به خوبی از این واقعیت آگاه هستم که سال‌هاست اکثر مردم به روان‌شناسی به‌عنوان موضوعی نگاه می‌کنند که فقط پرفسورهای موبلند می‌توانند از آن سردر بیاورند. حقیقت ماجرا این است که روان‌شناسی، در عین حال که آموختنی‌ست، جالب‌ترین و حیاتی‌ترین موضوعی‌ست که زیربنای بخش عظیمی از فعالیت‌های تجاری امروز را تشکیل می‌دهد.

روان‌شناسی چیست؟

این واژه را در فرهنگ لغت خود جستجو کنید. اما قبل از این کار اجازه دهید

من برداشت خودم را از این واژه به شما بگویم. روان‌شناسی چیزی نیست جز فهمی کامل از شیوه عملکرد انسان، نه چیزی کمتر و نه بیشتر. برای درک روان‌شناسی باید به درک انسان رسید. برای اینکه بتوانید در عمل از کاربردهای روان‌شناسی استفاده کنید باید عامدانه به ذهن انسان - به خصوص ذهن خودتان جهت دهید و آن را در حیطه کنترل خود در آورید.

اصولی که در روان‌شناسی استفاده می‌شود نسبتاً ساده هستند. شما نمونه بارزی از کاربرد عملی روان‌شناسی را در سخنان مارک آنتونی با ارادل و او باش رم دیدید. در سخنانی که مارک آنتونی از زبان شکسپیر می‌گوید، تلقین عامل مهمی بود که ارادل و او باش را تحت تأثیر قرار داد و موجب شد تا دستورات او را اجرا کنند. به خاطر داشته باشید که تلقین یکی از پدیده‌های روانی است که به آن روان‌شناسی می‌گویند. تلقین عاملی مهم در استفاده از هیپنوتیزم است. عامل دیگری که در ارتباط تنگاتنگ با تلقین قرار دارد، تمرکز است. در سرتاسر این کتاب کاربردهای بسیار ساده و درعین حال قابل فهم و کاربردی را درباره اصول تلقین و تمرکز خواهید دید. من به این معتقدم و صرفاً برای آگاهی شما می‌گویم کتابی که در دست شماست مهارت‌های زندگی بسیار زیادی در خود نهفته دارد.

منظور من از «مهارت» مطالعه زندگی است. قبل از اینکه به جزئیات بپردازم لازم است بر اصول پایه بسیاری مهارت یابید تا بتوانید از طریق آن‌ها این جزئیات را سامان‌دهی کنید و به کار گیرید.

یادداشت گیتومر: نابلئون هیل همیشه صحت تصویر کلی (هرچیز پیچیده‌ای) را به چالش می‌کشید، سپس جزئیات آن را به اصول و عملکردها تفکیک می‌کرد.

در بین ویژگی‌های دیگری که مایلم در این کتاب برای شما توضیح دهم برخی اصول برای موفقیت و خوشبختی بسیار مهم و ضروری است؛

مثل اعتماد به نفس، شجاعت، ایمان، تواضع، آگاهی عملی و مناسب از «خود» و... هیچ فردی نمی‌تواند بدون پیشرفتی مثبت‌تر، مطلوب‌تر و قاطع‌تر از زمان شروع کتاب، به خواندن آن ادامه دهد. من از همین ابتدا این اطلاعات را به شما می‌دهم تا بتوانید به طرز مؤثرتر با من همکاری داشته باشید و در آخر کتاب خواهید فهمید به چه دلیل شما را در این چالش یاری می‌کنم.

همچنین بگذارید توضیح دهم که نه «مذهب» و نه «سیاست» در کاری که در این کتاب انجام می‌دهم جایگاهی ندارند. آموزه‌های من اساساً بر پایه وقایعی است که فیلسوفان برجسته و دانشمندان جهان برای اثبات آن‌ها تلاش کرده‌اند که این آموزه‌ها عملی و کاربردی هستند. این توضیحات را می‌دهم تا به اشتباه فکر نکنید مجال داده‌ام موضوعات این کتاب جایگاهی نامناسب به خود بگیرند. به هر حال شاید برخی از اصولی که در این کتاب با آن‌ها سروکار دارید بسیار مرتبط با اصولی مشابه و ترویج‌یافته در دین یا مذهبی دیگر و یا در قالب «مذهب» باشند.

یادداشت گیتومر: هیل متوجه شد چیزهایی را تدریس می‌کرده که مذهب اغلب به نوعی با آن‌ها سروکار داشته است، اما وی به طرز مناسب منتقدان را خلع سلاح کرد و با قاطعیت خود را سکولار معرفی کرد.

همچنین خوب توجه داشته باشید فردی که این واقعیت را نادیده می‌گیرد که موفقیت او بسته به تلاشش، تا حد زیادی منوط به این است که تا چه حد به دیدگاه «زندگی راستین» دست یافته باشد، بهتر است همین‌جا از ادامه خواندن این کتاب صرف نظر کند. «زیرکی» و تمایل به «ارائه این مطالب به بقیه» چنین فردی را به سمت شکستی قطعی و سریع سوق می‌دهد. درآمد یا حقوق شما از فروش محصولات یا خدمات از طریق فردی دیگر به

دست می‌آید. این حقیقتی است که نباید فراموش کرد و لحظه‌ای که شروع به فریب کارفرمای خود (مردم مصرف‌کننده) می‌کنید آن لحظه، لحظه سقوط شماست. اگر یک عقیده مهم وجود داشته باشد که بخواهم پیوسته در این کتاب برای بسط و توضیح آن تلاش کنم آن عقیده، برپاداشتن تمامی زندگی بر مبنای راستی است! بدون این زیربنای محکم هیچ فردی تجارتي نمی‌تواند در این وادی سیاست‌های مترقی امروز، امیدی به موفقیت ماندگار داشته باشد. همان وقت که دروغی به روی کاغذ آورده می‌شود، چه مستقیم و چه در لفافه، همان عواقبی را در پی دارد که دروغی به زبان گفته شود. «تحمیق خرید عمومی» خودکشی شخصی یا تجاری محسوب می‌شود.

گاهی به کسب و کارهای بزرگ مارشال فیلد^۱، جان وانامیکر^۲، سیرز^۳، ریوک و شرکا^۴، مونتگمری وارد و شرکا^۵، برادران باتلر^۶ و دیگر پستخانه‌های معتبر بیندازید: در پس زمینه موفقیت آن‌ها متوجه اصلی اساسی خواهید شد که متضمن موفقیت آن‌هاست. این اصل «تبلیغات راستین» است. در این شرکت‌ها همیشه مرسوم بوده که مشتریان را راضی نگه دارند. این چیزی است که همه شرکت‌های موفق باید انجام دهند.

اما اگر شما در شرکت‌ها یا مشاغلی کار نمی‌کنید که سفارشات پستی دارند و در کار فروش آگهی هم نیستید این اصل باز هم برای شما کاربرد برابر خواهد داشت. و مهم‌تر اینکه این اصل، مفهومی بیش از تجارت، سفارشات پستی و آگهی دارد. این اصل، اصلی است که در زندگی هم کاربرد برابر دارد. مفهومی کلیدی که باید در اینجا متوجه آن شوید و ملکه ذهن شما شود همین مفهوم است: زندگی راستین.

1. Marshall Field

2. John Wanamaker

3. Sears

4. Roebuck & Company

5. Montgomery Ward

6. Butler Brothers

تذکر: گام به گام با کتاب پیش بروید و تا زمانی که درسی را کامل نخوانده‌اید به سراغ قسمت‌های بعدی کتاب نروید. یک فرد عادی قبل از اینکه بخواند زندگی را با نگرشی فیلسوفانه شروع کند لازم است این کتاب را حداقل سه بار بخواند: بار اول برای فهمیدن چارچوب کلی موضوعاتی که در کتاب آمده، بار دوم به منظور پاسخ به پرسش‌ها و بار سوم برای داشتن خلاصه نهایی از کتاب.

برخی ایده‌ها به منظور محک زدن توانایی هر شخص در فکر کردن بر حسب شرایط خود آمده و پاسخ آن‌ها در کتاب نیست. وقتی به دنبال پاسخ عقیده‌ای از این دست هستید از تشخیص خود استفاده کنید و آن را متناسب با موقعیت خود جواب دهید.

قبل از اینکه دست به کار خواندن این کتاب شوید، از شما می‌خواهم به مطلب زیر توجه کامل داشته باشید:

شما دقیقاً به همان میزان از این کتاب خواهید آموخت که برای آن زمان و تلاش جدی صرف می‌کنید.

توافقی صمیمانه با نماینده

ملاقات کتبی نوشته ناپلئون هیل

دوست، خواننده و شاگرد مسیر موفقیت، ما سفری را شروع خواهیم کرد که معتقدیم به شما ثابت خواهد شد لذت‌بخش‌ترین و سودمندترین سفری است که در طول زندگی خود آن را به بهترین شکل خواهید داشت.

اگر قبل از شروع این کتاب بتوانیم به درک کاملی از یکدیگر برسیم بهتر می‌توانیم در این سفر کنار هم باشیم!

صراحت یکی از خصوصیات است که من دارم. خصلتی که بیش از هر چیز به داشتن آن افتخار می‌کنم. من معتقدم باید در آغاز بازی همه اصول و قوانین را صادقانه عنوان کرد و بعد بازی را شروع کرد.

در حال حاضر، اگر اینجا روبه روی من و پشت میز نشسته بودید می توانستیم در عرض نیم ساعت بسیار بیشتر با یکدیگر آشنا شویم تا اینکه بخواهیم به صورت نوشتاری صحبت کنیم. اینکه کسی بخواهد افکارش را به شیوه‌ای روی کاغذ بیاورد تا آن‌هایی که نوشته‌هایش را می‌خوانند بتوانند درک کامل و درستی از آن داشته باشند کاری بسیار سخت است.

باتوجه به این موضوع، اگر اشتهاً در نوشته‌هایم ضعف‌هایی به شما نسبت داده شد، نادیده بگیرید و اگر اشتباهی از طرف من پیش آمد - همان‌طور که انسان جایز الخطاست - از شما طلب بخشش می‌کنم.

من صفحاتی را برای «ملاقات» با شما در پایان هر درس اختصاص داده‌ام که آن صفحات را «تکه مقدس باغ» می‌نامم.

تمام تلاش من این خواهد بود که از بین هریک از این «ملاقات»ها، افکاری جدید برای هریک از شما داشته باشم و شما را سرشار از اشتیاق، امید، ایمان، نشاط، حس نیکوکاری و اعتمادبه‌نفس سازم. تمام تلاش خود را خواهم کرد تا شما را یاری دهم سوی آرمان‌گرایانه خود را بسازید.

«اگر انسان مهمی شوید، به این خاطر است که قبل از هر چیز اراده کردید مهم شوید! و اگر انسان مهمی نشوید، به این خاطر خواهد بود که با تمام وجود عزم خود را جزم نکرده‌اید.»

ناپلئون هیل

مادر بین خوانندگان خود از هر قوم و ملیتی داریم - افرادی که از مذاهب و ارگان‌های سیاسی مختلف و متنوعی هستند. فرقی نمی‌کند شما چه مذهب و مسلکی داشته باشید - من با شما همراه هستم! و اکنون از هیچ کوششی برای شما فروگذار نخواهم بود.

در اینجا از شما می‌خواهم این تفکر را به خوبی در ذهن خود جای دهید که: من تنها در صورتی می‌توانم چیزی به شما یاد دهم که ایمان کامل به توانایی و صداقت من داشته باشید. با ایمان دوطرفه، می‌توان کوه‌ها را جابه‌جا کرد، اما بدون آن نمی‌توانیم حتی لحظه‌ای کنار هم در هماهنگی کامل کاری از پیش ببریم. همچنان که باهم در این کتاب پیش می‌رویم ضمن کار بیشتر با یکدیگر آشنا و هماهنگ می‌شویم. این روند می‌تواند بهترین شناختی باشد که با صریح بودن با یکدیگر به دست می‌آید.

اگر مادامی که مشغول خواندن این کتاب هستید شرایط جدیدی در زندگی شما پیش آمد که نگران شدید و خواستید با من مشورت کنید، با من همان احساس راحتی را داشته باشید که با هر دوست صمیمی دیگری خواهید داشت. بیایید در تمام طول این سفر درک روشنی از هم داشته باشیم! بیایید در هر قدم در طول این مسیر در هماهنگی کامل با یکدیگر باشیم! من قصد دارم از شما فردی بسازم که هر کاری را آغاز می‌کند به سرانجام می‌رساند! این کتاب قرار است چیزی بیش از صرفاً یک کتاب در زمینه فن زندگی باشد. خیلی زودتر از اینکه به درس بیست و سوم برسید خواهید دید که این کتاب سازنده شخصیتی قوی، جذاب و محکم است.

شاید پرسید ارزش کتابی که این‌گونه عمل خواهد کرد در چیست؟ شما اکنون برخی ویژگی‌های منفی دارید که بین شما و موفقیتی قرار گرفته که می‌خواهید به آن برسید. این خصوصیات منفی را یا می‌شناسید و با وجود آن‌ها در خود مطلع نیستید. گیریم که این‌گونه باشد، شما قرار است قبل از اینکه این کتاب را به پایان برسانید ویژگی‌های منفی بسیار کمتری داشته باشید. شما قرار است شخصیتی بسیار مطلوب‌تر داشته باشید. شما قرار است این توانایی را داشته باشید تا به انسان‌ها کمک کنید بتوانند کاری را که از آن‌ها می‌خواهید برایتان انجام دهند. چرا که آن‌ها خود می‌خواهند این کار را برای شما به انجام برسانند.

زندگی! چه مطالعه شگفت‌انگیزی است!

و اما، مطالعه زندگی چیست؟

دوستان، من به شما می‌گویم زندگی چیست؟

زندگی مطالعه ذهن انسان است - مطالعه خود انسانیت!

ایا می‌توانم پرسم چه چیزی جالب‌تر از این ماشین شگفت‌انگیز که ما آن را ذهن انسان می‌نامیم وجود دارد؟ چه چیزی بیشتر از توانایی کنترل، جهت‌دهی و تسلط بر ذهن انسان - به‌خصوص بر ذهن خودش، از این ماشین خواسته می‌شود؟

انسان موفق انسانی‌ست که می‌تواند به ذهن خود و دیگران جهت دهد و بر آن مسلط شود. این است نیروی شگفت‌انگیز! پس اجازه دهید از آن تنها برای اهداف درست و افتخارآمیز استفاده کنیم.

قبل از اینکه این کتاب را تمام کنید چیزهای بزرگ بسیاری درباره زندگی خواهید آموخت که احتمالاً هرگز فکر نمی‌کردید در ارتباط با موضوع ذهن باشند. چیزهای زیادی درباره ذهن انسان خواهید آموخت - به‌خصوص ذهن خودتان - که قبلاً اطلاعی از آن‌ها نداشتید.

یاد خواهید گرفت چگونه کلماتی را انتخاب کنید که احساسات انسان را نوازش می‌کنند درست مانند ویولونیست ماهری که بر سازش می‌نوازد. یاد خواهید گرفت چگونه بر دوستان، خانواده و مصرف‌کنندگان خود همان تأثیری را بگذارید که یک ویولونیست وقتی آرشه را هماهنگ با ارتعاشاتی که از گوش به مغزتان می‌رسد بر سیم‌های ویولونش می‌کشد و بر شنوندگان خود تأثیر می‌گذارد.

چه کار اعجاب‌انگیزی!

یاد خواهید گرفت که تنها با پنج حس - بینایی، بویایی، شنوایی، حسی و چشایی - می‌توانید بر ذهن دیگران تأثیر گذارید. و با نزدیک شدن به دیگران از طریق این حواس می‌توانید فکر و عمل را به نفع خود تغییر دهید.

یاد خواهید گرفت کلماتی را انتخاب کنید که با تداخل یک یا چند حس از حواس پنج‌گانه به طرز مؤثرتر اثربخش شوند.

عادت به اتمام رساندن

درست در همین آغاز کتاب تصمیمتان را بگیرید که قرار است چه چیزی را در راه کامل خواندن این کتاب فدا کنید. به دست آوردن هر چیز باارزشی بهایی دارد. کتابی را شروع کرده‌اید که به خوبی با علائق انسانی همراه است، اما یک مهمانی عصرانه هم نیست.

به هر حال، هیچ مطلب اضافه‌ای در این کتاب عنوان نشده است. بسیاری از شما تجارب بسیار سختی را از سر گذرانیده‌اید و هر آنچه را که لازم و ضروری نبوده حذف کرده‌اید. این کتاب هم به همین صورت است. وقتی با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوید که فکر می‌کنید کار و تلاشی بیشتر از حد توان شما را می‌طلبد - آن را با خوشحالی انجام دهید.

همان‌طور که در آغاز گفتم باید به خود ایمان داشته باشید. باید به من باور داشته باشید و آنچه را می‌گویم دقیق انجام دهید و کافی ست من را مسئول نتایج نهایی بدانید.

من مسئولیت موفقیت شما را می‌پذیرم تنها به شرطی که به دستورات من عمل کنید، درست مثل سرباز وظیفه‌ای که باید از دستورات افسر مافوق خود اطاعت کند.

هیچ خط قرمزی بین شما و من وجود ندارد. هیچ مرز نامرئی و فرمالیته‌ای وجود ندارد. چفت و بست‌ها همیشه پشت در هستند. من مربی و دوست شما هستم، وفادار، وظیفه‌شناس و دلسوز که آماده و مصمم هستم تا خود را در دردها و شادی‌های شما سهیم بدانم.

این کلمات تنها به این خاطر نوشته نشده‌اند که فقط فضایی را پر کنند! وقتی من را همان‌طور که هستم بشناسید این واقعیت را متوجه خواهید شد.

در کتابی که شروع کرده‌اید قلب و روح من نهاده شده است. من به شما و تعاملات شما علاقه‌مند هستم. دوستان شما دوستان من هستند. شادی شما، شادی من است و غم‌های شما نیز غم‌های من هستند.

من همواره سخت تلاش خواهم کرد تا همچون چشمه جوشانی باشم که الهامات جدید، امید، جرئت و اعتماد به نفس از آن می‌جوشد: همگی ما به این منبع الهام نیاز داریم. این چشمه درست همین جا و در دسترس شماست تا هر زمان که تشنه بودید آزادانه از آن بنوشید و در سال‌های آتی اگر دلیلی داشته باشم که احساس کنم از خلال تلاش‌هایم شما تبدیل به انسانی بزرگ‌تر، بهتر و نیز از شهروندان مرفه آمریکا شده‌اید، پاداش تلاش‌های خالصانه‌ام را برای سود رساندن به شما گرفته‌ام.

با بهترین آرزوها برای موفقیت و شادی شما که به من باور دارید.

صمیمانه ارادت‌مند شما،

ناپلئون هیل

دستورالعمل‌های مهم گیتومر

چگونه این درس را انجام دهیم؟

این اولین درس را باید دو بار پشت‌سرهم بخوانید تا هم فرصت‌ها و هم چالش‌هایی را درک کنید که در این کتاب و در زندگی خود با آن‌ها روبه‌رو هستید. دلیل پیشنهادم به دوباره خوانی این فصل هم شفاف‌سازی مطالب است و هم اینکه درک مفهومی از مطالب داشته باشید. می‌توانید تصمیم بگیرید که «این کتاب را فقط بخوانید» یا اینکه تصمیم بگیرید آن را بخش‌بخش بخوانید. من دومی را پیشنهاد می‌کنم. بار دوم خواندن این درس تصمیم شما را مشخص می‌کند.

بیست سال بعد از اولین نوشته‌های هیل که در اینجا آمده‌اند و کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید را نوشت که با این عبارت شروع می‌شود، «اندیشه